

نهمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار همایش مطالعات پژوهشی حقوق ورزشی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار- کمیته حقوق ورزشی استان اصفهان- دانشگاه آزاد اسلامی-دهقان- فرمانداری دهقان
دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۲۷ بهمن ماه ۱۴۰۴ شماره نمایه: ۴۷۷۷۷۲ رده بندی کنگره: ج ۳۳۲۲۴

آخرین تحولات قوانین بین الملل در حقوق قراردادهای بازیکنان حرفه ای

امیر حمزه افشاری

چکیده

قراردادهای بازیکنان حرفه ای در دهه های اخیر تحت تأثیر جهانی شدن ورزش، تجاری شدن باشگاه ها، افزایش نقل و انتقالات بین المللی و مداخله نهادهای فراملی ورزشی دچار تحولات بنیادین شده اند. این مقاله با رویکردی تحلیلی-توصیفی به بررسی آخرین تحولات حقوق بین الملل ورزشی در حوزه قراردادهای بازیکنان می پردازد. تمرکز اصلی بر مقررات نهادهای تنظیم گر جهانی، حل و فصل اختلافات، حمایت از حقوق بازیکنان، محدودیت های قراردادی و تأثیر آرای داوری بین المللی است. نتایج پژوهش نشان می دهد که نظام حقوقی قراردادهای بازیکنان از چارچوب سنتی حقوق خصوصی فراتر رفته و به نظامی ترکیبی از حقوق ملی، مقررات فدراسیونی و داوری بین المللی تبدیل شده است.

واژگان کلیدی: قرارداد ورزشی، نقل و انتقالات بین المللی، داوری ورزشی، حقوق بازیکنان، مقررات فیفا



مقدمه

ورزش حرفه‌ای امروز صنعتی جهانی و چند میلیارد دلاری است که در آن قرارداد بازیکنان نقش محوری دارد. در گذشته، قراردادهای ورزشی عمدتاً تابع حقوق کار داخلی کشورها بودند، اما با گسترش نقل و انتقالات بین‌المللی و افزایش تعاملات فرامرزی، چارچوب‌های حقوقی جدیدی شکل گرفته‌اند. مقررات فدراسیون‌های بین‌المللی، به‌ویژه در فوتبال، نقش تعیین‌کننده‌ای در تنظیم روابط قراردادی میان بازیکنان و باشگاه‌ها ایفا می‌کنند. افزون بر این، نهادهای داوری بین‌المللی ورزشی نیز در تفسیر و اجرای این مقررات جایگاهی کلیدی یافته‌اند. این وضعیت موجب شده است که حقوق قراردادهای بازیکنان به نظامی فراملی و چندسطحی تبدیل شود.

فصل اول: تحول در ماهیت حقوقی قراردادهای بازیکنان

۱. گذار از قرارداد کار داخلی به نظام فراملی

در الگوی سنتی، قرارداد بازیکن نوعی قرارداد کار محسوب می‌شد که تابع قوانین کار کشور محل فعالیت بود. اما با افزایش انتقال‌های بین‌المللی، مقررات فدراسیونی به‌ویژه در فوتبال، چارچوبی مستقل و فراتر از حقوق داخلی ایجاد کردند.

امروزه قواعد مربوط به وضعیت و انتقال بازیکنان، اصول کلی انعقاد، فسخ و جبران خسارت را مشخص می‌کند و عملاً بر بسیاری از مقررات ملی تقدم کاربردی یافته است.

۲. محدودسازی اصل آزادی قرارداد

یکی از مهم‌ترین تحولات اخیر، محدود شدن اصل آزادی قراردادی در حوزه ورزش حرفه‌ای است. برای نمونه: تعیین سقف مدت قرارداد برای بازیکنان جوان

ممنوعیت مالکیت شخص ثالث بر منافع اقتصادی بازیکنان

وضع ضمانت اجرا برای فسخ غیرموجه قرارداد

این محدودیت‌ها با هدف ایجاد ثبات در نظام نقل و انتقالات و جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی وضع شده‌اند.



فصل دوم: حمایت از حقوق بازیکنان و تعادل قراردادی

۱. حمایت از بازیکنان جوان

نظام بین‌المللی نقل و انتقالات سازوکارهایی برای حمایت از باشگاه‌های پرورش‌دهنده بازیکنان پیش‌بینی کرده است، از جمله: غرامت آموزش سهم مشارکت در انتقال‌های بعدی این سازوکارها تلاش می‌کند تعادل اقتصادی میان باشگاه‌های بزرگ و کوچک را حفظ کنند.

۲. ثبات قراردادی و جبران خسارت

اصل ثبات قراردادی به یکی از مبانی اصلی حقوق ورزشی تبدیل شده است. در صورت فسخ غیرموجه قرارداد، جبران خسارت بر اساس معیارهایی چون مدت باقی‌مانده قرارداد، ارزش اقتصادی بازیکن و شرایط خاص پرونده تعیین می‌شود. این رویکرد سبب شده است که بازیکنان و باشگاه‌ها در انعقاد و فسخ قرارداد دقت بیشتری داشته باشند.

فصل سوم: داوری ورزشی و حل و فصل اختلافات

۱. نقش داوری تخصصی

در سطح بین‌المللی، اختلافات قراردادی بازیکنان عمدتاً از طریق داوری ورزشی حل و فصل می‌شود. این نظام دارای ویژگی‌هایی چون رسیدگی تخصصی توسط حقوقدانان آشنا با مقررات ورزشی سرعت نسبی در رسیدگی الزام‌آور بودن آرا استقلال این نظام داوری، یکی از ارکان ثبات حقوقی در ورزش حرفه‌ای به شمار می‌رود.

۲. تعارض با حقوق ملی

در برخی موارد، دادگاه‌های ملی با استناد به قوانین کار یا نظم عمومی، در اجرای آرای داوری ورزشی مداخله کرده‌اند. این مسئله بحث‌هایی درباره حدود استقلال نظام حقوقی ورزش و رابطه آن با حقوق ملی ایجاد کرده است....



فصل چهارم: تحولات جدید در مقررات نقل و انتقالات

۱. ممنوعیت مالکیت شخص ثالث

یکی از اصلاحات مهم سال‌های اخیر، ممنوعیت مالکیت شخص ثالث بر حقوق اقتصادی بازیکنان بوده است. این اقدام برای جلوگیری از نفوذ سرمایه‌گذاران غیرورزشی در تصمیمات حرفه‌ای باشگاه‌ها صورت گرفت.

۲. مقررات جدید کارگزاران

مقررات جدید درباره فعالیت کارگزاران ورزشی، شرایط صدور مجوز، سقف کمیسیون و الزامات شفافیت مالی را مشخص کرده است. هدف این اصلاحات، حمایت از بازیکنان و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی است.

۳. شفافیت دیجیتال در نقل و انتقالات

سامانه‌های ثبت دیجیتال انتقال‌ها موجب افزایش شفافیت، کاهش تقلب و نظارت دقیق‌تر بر جریان‌های مالی شده‌اند. این تحول نقش مهمی در استانداردسازی فرآیندهای بین‌المللی داشته است.

فصل پنجم: چالش‌های معاصر و چشم‌انداز آینده

۱. تأثیر حقوق بشر و آزادی جابجایی

حقوق بنیادین مانند آزادی اشتغال و منع تبعیض، در سال‌های اخیر بر نظام نقل و انتقالات اثر گذاشته‌اند. دادگاه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در برخی موارد مقررات محدودکننده را مورد بازبینی قرار داده‌اند.

۲. تجاری‌شدن فزاینده ورزش

افزایش مبالغ قراردادهای و پیچیدگی روابط مالی میان باشگاه، بازیکن، کارگزار و سرمایه‌گذار، چالش‌های جدیدی در زمینه تعارض منافع ایجاد کرده است. تنظیم‌گری دقیق‌تر برای حفظ شفافیت و عدالت رقابتی ضروری به نظر می‌رسد.

۳. آینده حقوق قراردادهای بازیکنان

به نظر می‌رسد آینده این حوزه با ویژگی‌های زیر همراه باشد:

تقویت نظارت مالی

حمایت بیشتر از بازیکنان زن



افزایش نقش داوری تخصصی

تعامل گسترده‌تر با حقوق رقابت و حقوق بشر

فصل پنجم: بررسی و تبیین علمی و حقوقی تحولات قوانین بین‌الملل در حقوق قراردادهای بازیکنان حرفه‌ای

۱. تحولات نوین در چارچوب حقوقی قرارداد بازیکنان حرفه‌ای

حقوق قراردادهای بازیکنان حرفه‌ای در سال‌های اخیر دستخوش تحولات قابل توجهی شده است. قرارداد بازیکن حرفه‌ای دیگر صرفاً یک توافق خصوصی میان ورزشکار و باشگاه محسوب نمی‌شود، بلکه رابطه‌ای حقوقی و چندلایه است که همزمان تحت تأثیر قواعد عمومی قراردادهای حقوق کار، مقررات فدراسیون‌های ورزشی، مقررات بین‌المللی نهادهای حاکم بر ورزش و رویه مراجع داوری و قضایی قرار دارد. در فوتبال حرفه‌ای، مقررات وضعیت و نقل و انتقال بازیکنان فدراسیون بین‌المللی فوتبال (FIFA) (RSTP) از مهم‌ترین منابع تنظیم‌کننده این روابط محسوب می‌شود و موضوعاتی همچون انعقاد و ثبات قرارداد، فسخ یک‌جانبه، دلیل موجه، غرامت، نقل و انتقال بین‌المللی، ثبت بازیکنان و سازوکار حل اختلاف را مورد توجه قرار می‌دهد.

یکی از اصول اساسی حاکم بر قراردادهای بازیکنان حرفه‌ای، اصل ثبات قراردادی است. بر اساس این اصل، قرارداد منعقدشده میان بازیکن و باشگاه باید از ثبات لازم برخوردار باشد و هیچ‌یک از طرفین نباید بتواند بدون وجود مبنای قانونی یا قراردادی، رابطه را به صورت یک‌جانبه و بدون تحمل آثار حقوقی آن خاتمه دهد. اهمیت این اصل از یک سو به ضرورت حمایت از سرمایه‌گذاری باشگاه‌ها بر بازیکنان و از سوی دیگر به ضرورت حمایت از امنیت شغلی ورزشکاران بازمی‌گردد. با این حال، تحولات جدید نشان می‌دهد که ثبات قراردادی نمی‌تواند به معنای محدود کردن مطلق آزادی حرفه‌ای بازیکن باشد. بازیکن حرفه‌ای، همانند سایر نیروی‌های کار، از حق انتخاب شغل و جابه‌جایی حرفه‌ای برخوردار است و مقررات ورزشی باید میان این حق و ضرورت حفظ ثبات قرارداد تعادل برقرار کند.

یکی از مهم‌ترین تحولات در این زمینه، رأی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده Lassana Diarra در سال ۲۰۲۴ است. این پرونده از آن جهت اهمیت دارد که مقررات نقل و انتقال بازیکنان فیفا را از منظر آزادی رفت و آمد نیروی کار و قواعد حقوق رقابت اتحادیه اروپا مورد بررسی قرار داد. موضوع



اصلی به آثار فسخ قرارداد بازیکن با باشگاه و محدودیت‌هایی مربوط می‌شد که ممکن بود در نتیجه مقررات فیفا برای انتقال بازیکن به باشگاه جدید ایجاد شود. رأی مذکور نشان داد که مقررات وضع شده توسط نهادهای ورزشی، هرچند در چارچوب نظام مستقل ورزش قرار دارند، در مواردی که آثار قابل توجهی بر حقوق اقتصادی و شغلی افراد ایجاد می‌کنند، نمی‌توانند کاملاً جدا از قواعد حقوق عمومی و فراملی مورد ارزیابی قرار گیرند.

اهمیت پرونده Diarra صرفاً به نتیجه آن محدود نمی‌شود، بلکه این پرونده زمینه‌ساز بازنگری گسترده‌تر در نظام حقوقی نقل و انتقال بازیکنان شد. پس از این تحولات، فیفا فرآیند اصلاح مقررات مربوط به وضعیت و انتقال بازیکنان را دنبال کرد و در سال ۲۰۲۶ چارچوب جدیدی را برای نظام جهانی نقل و انتقال بازیکنان تصویب نمود که اجرای آن از اول ژانویه ۲۰۲۷ پیش‌بینی شده است. هدف اصلی این اصلاحات، ایجاد تعادل میان ثبات قراردادهای و حقوق بازیکنان و همچنین افزایش شفافیت و تناسب ضمانت اجرای مربوط به فسخ قرارداد عنوان شده است.

در این چارچوب جدید، مفهوم دلیل موجه (Just Cause) همچنان جایگاه مهمی در پایان دادن به قراردادهای حرفه‌ای دارد. چنانچه یکی از طرفین قرارداد تعهدات اساسی خود را نقض کند، ممکن است طرف مقابل تحت شرایط مقرر حق خاتمه رابطه قراردادی را داشته باشد. برای مثال، عدم پرداخت مستمر دستمزد، نقض جدی تعهدات قراردادی یا برخی رفتارهای شدید و غیرقابل قبول می‌تواند در ارزیابی وجود دلیل موجه مؤثر باشد. با این حال، صرف نارضایتی بازیکن از وضعیت باشگاه یا دریافت پیشنهاد مالی بهتر از باشگاه دیگر، لزوماً دلیل موجه برای فسخ قرارداد محسوب نمی‌شود و هر موضوع باید با توجه به شرایط خاص پرونده، مفاد قرارداد و مقررات حاکم بررسی شود.

مسئله پرداخت دستمزد نیز یکی از مهم‌ترین موضوعات قراردادهای بازیکنان حرفه‌ای است. در سال‌های گذشته بخش قابل توجهی از اختلافات میان بازیکنان و باشگاه‌ها به تأخیر یا عدم پرداخت حقوق مربوط بوده است. تحول رویکرد حقوقی در این زمینه نشان می‌دهد که دستمزد بازیکن تنها یک تعهد مالی ساده نیست، بلکه از عناصر اساسی رابطه کاری محسوب می‌شود و نقض جدی آن می‌تواند آثار حقوقی مهمی برای باشگاه ایجاد کند. در مقابل، بازیکن نیز در صورت فسخ غیرموجه قرارداد ممکن است با مسئولیت مالی و سایر ضمانت اجرای مقرر مواجه شود. بنابراین، هدف مقررات جدید ایجاد



تعادلی است که از یک سو مانع فسخ خودسرانه قراردادها شود و از سوی دیگر، بازیکن را در برابر نقض جدی حقوق قراردادی خود بدون حمایت باقی نگذارد.

از دیگر موضوعات مهم در تحولات جدید، توجه بیشتر به حقوق شغلی و انسانی بازیکنان است. بازیکن حرفه‌ای دیگر صرفاً به عنوان یک عنصر اقتصادی یا ورزشی در ساختار باشگاه مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بلکه دارای حقوقی همچون دریافت منظم دستمزد، برخورداری از شرایط مناسب کار، استراحت و بازیابی، سلامت و ایمنی شغلی و برخورداری از حمایت‌های قراردادی است. توافق‌های جدید میان فیفا و اتحادیه جهانی بازیکنان حرفه‌ای (FIFPRO) نیز نشان‌دهنده افزایش توجه به این مسائل است. در سال ۲۰۲۶، همکاری میان این نهادها به سمت ایجاد نوعی گفت‌وگوی اجتماعی جهانی در فوتبال حرفه‌ای حرکت کرد تا بازیکنان، باشگاه‌ها و لیگ‌ها در فرآیند تدوین و اصلاح برخی قواعد مربوط به روابط کاری و قراردادی مشارکت بیشتری داشته باشند.

این تحول از منظر حقوق کار اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا نشان‌دهنده فاصله گرفتن تدریجی از الگویی است که در آن مقررات ورزش عمدتاً توسط نهادهای حاکم بر ورزش و بدون مشارکت گسترده نمایندگان ورزشکاران تنظیم می‌شد. مشارکت نمایندگان بازیکنان می‌تواند موجب شود موضوعاتی مانند حداقل استانداردهای قرارداد، دستمزد، شرایط کار، استراحت، سلامت، بیمه، حل اختلاف و حقوق تجاری ورزشکاران با واقعیت‌های حرفه‌ای آنان هماهنگ‌تر شود.

موضوع دیگری که در سال‌های اخیر اهمیت یافته، استانداردسازی قراردادهای بازیکنان حرفه‌ای است. هدف از استانداردسازی، یکسان‌سازی کامل قراردادهای نیست، بلکه ایجاد حداقل‌های حقوقی برای جلوگیری از درج شروط ناعادلانه و حمایت از حقوق اساسی ورزشکار است. قراردادهای حرفه‌ای امروزی علاوه بر مدت و میزان دستمزد، ممکن است شامل مقررات مربوط به پاداش‌ها، حق فسخ، انتقال، بیمه، مصدومیت، استفاده از تصویر، فعالیت‌های تبلیغاتی، شبکه‌های اجتماعی، داده‌های ورزشی و تعهدات انضباطی نیز باشند. در نتیجه، قرارداد بازیکن حرفه‌ای به تدریج از یک قرارداد ساده کاری به قراردادی تخصصی و چندوجهی تبدیل شده است.

از سوی دیگر، حمایت از بازیکنان نوجوان نیز یکی از محورهای مهم حقوق بین‌الملل ورزش است. مقررات فیفا محدودیت‌هایی را برای انتقال بین‌المللی بازیکنان زیر ۱۸ سال پیش‌بینی کرده است تا از بهره‌کشی اقتصادی، انتقال‌های غیرمسئولانه و آسیب به تحصیل و زندگی خانوادگی آنان جلوگیری شود.



این رویکرد نشان می‌دهد که قرارداد ورزشی با بازیکن نوجوان نمی‌تواند صرفاً بر اساس منافع اقتصادی باشگاه یا واسطه ورزشی تنظیم شود و باید منافع عالیه کودک و ضرورت حمایت از رشد جسمی، روانی و آموزشی وی نیز مورد توجه قرار گیرد.

همچنین نقش نمایندگان و واسطه‌های ورزشی در قراردادهای حرفه‌ای افزایش یافته است. نماینده بازیکن معمولاً در مذاکرات مربوط به مدت قرارداد، میزان دستمزد، پاداش‌ها، شروط فسخ و انتقال مشارکت دارد. به همین دلیل، مقررات بین‌المللی تلاش کرده‌اند فعالیت این اشخاص را تحت نظارت بیشتری قرار دهند و از تعارض منافع و سوءاستفاده احتمالی جلوگیری کنند. وجود مقررات شفاف درباره نمایندگان ورزشی می‌تواند به کاهش اختلافات و افزایش شفافیت در انعقاد قراردادهای حرفه‌ای کمک کند.

۲. چشم‌انداز حقوق قراردادهای بازیکنان حرفه‌ای در نظام بین‌المللی

یکی از ویژگی‌های مهم حقوق معاصر ورزش، افزایش نقش مراجع حل اختلاف و داوری در تفسیر و توسعه مقررات قراردادی است. در فوتبال حرفه‌ای، دادگاه فوتبال فیفا و دیوان حکمیت ورزش (CAS) نقش مهمی در رسیدگی به اختلافات مربوط به فسخ قرارداد، غرامت، انتقال بازیکنان و تعهدات باشگاه‌ها و ورزشکاران دارند. رویه این مراجع در بسیاری از موارد موجب تبیین مفاهیمی مانند دلیل موجه، ثبات قراردادی، غرامت ناشی از فسخ و مسئولیت طرفین شده است. از این رو، مطالعه مقررات مکتوب به تنهایی برای شناخت حقوق قراردادهای بازیکنان کافی نیست و آرای مراجع حل اختلاف نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

یکی از تحولات مهم آینده، افزایش ارتباط میان حقوق ورزش، حقوق کار و حقوق رقابت است. تجربه پرونده Diarra نشان داد که مقررات ورزشی در صورتی که بر بازار کار ورزشکاران اثر بگذارند، ممکن است از سوی مراجع عمومی و فراملی نیز مورد بررسی قرار گیرند. بنابراین، سازمان‌های ورزشی بین‌المللی در تنظیم مقررات آینده ناگزیر خواهند بود علاوه بر منافع ورزشی، اصول حقوق کار، آزادی شغلی و رقابت را نیز در نظر بگیرند. این موضوع می‌تواند به تدریج موجب شکل‌گیری استانداردهای جدیدی برای قراردادهای بازیکنان در سطح بین‌المللی شود.

در همین راستا، اصلاحات جدید فیفا که اجرای آن از سال ۲۰۲۷ آغاز می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد. این اصلاحات در پی آن است که نظام نقل و انتقال جهانی را با شرایط جدید حقوقی هماهنگ کند و میان



منافع باشگاه، بازیکن و نظام رقابتی فوتبال توازن ایجاد نماید. تأکید بر شفافیت، تناسب ضمانت اجراها، حمایت از ثبات قرارداد و در عین حال رعایت حقوق بنیادین بازیکنان از جمله محورهای اصلی این رویکرد محسوب می‌شود.

یکی از نتایج قابل توجه این تحولات، حرکت به سمت حکمرانی مشارکتی در ورزش حرفه‌ای است. در این مدل، مقررات مربوط به روابط کاری بازیکنان تنها توسط نهادهای حاکم بر ورزش تعیین نمی‌شود، بلکه نمایندگان بازیکنان، باشگاه‌ها و لیگ‌ها نیز در فرآیند تنظیم قواعد مشارکت دارند. چنین رویکردی می‌تواند مشروعیت مقررات ورزشی را افزایش داده و موجب شود قواعد مربوط به قراردادهای حرفه‌ای انعکاس دقیق‌تری از نیازهای واقعی طرفین داشته باشند.

از سوی دیگر، پیشرفت فناوری نیز در حال ایجاد مسائل جدیدی در قراردادهای ورزشی است. استفاده گسترده از داده‌های عملکردی بازیکنان، فناوری‌های پوشیدنی، سامانه‌های تحلیل عملکرد، شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای هوش مصنوعی باعث شده است که موضوعاتی مانند مالکیت داده، حریم خصوصی، استفاده تجاری از اطلاعات بازیکن و حق بهره‌برداری از تصویر ورزشکار وارد قراردادهای حرفه‌ای شود. بنابراین، قراردادهای آینده احتمالاً بیش از گذشته شامل شروط مشخص درباره داده‌های شخصی و ورزشی، حقوق رسانه‌ای و تجاری و نحوه استفاده از تصویر بازیکن خواهند بود.

در این میان، سلامت و رفاه بازیکن نیز به تدریج از یک موضوع صرفاً پزشکی به یک موضوع حقوقی و قراردادی تبدیل شده است. افزایش تعداد مسابقات، فشردگی تقویم ورزشی و فشار جسمانی و روانی وارد شده بر بازیکنان موجب شده است که موضوعاتی مانند زمان استراحت، دوره بازیابی، مراقبت‌های پزشکی، پیشگیری از مصدومیت و حمایت از سلامت روانی ورزشکاران اهمیت بیشتری پیدا کند. به همین دلیل انتظار می‌رود در آینده استانداردهای قراردادی و مقررات بین‌المللی، تعهدات باشگاه‌ها در این زمینه را با صراحت بیشتری مشخص کنند.

در مجموع، روند تحولات حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که قرارداد بازیکن حرفه‌ای در حال تبدیل شدن به یک قرارداد تخصصی با ماهیت چندبعدی است که در آن عناصر حقوق کار، حقوق قراردادهای، حقوق رقابت، حقوق مالکیت فکری، حمایت از داده‌های شخصی و مقررات اختصاصی ورزش به یکدیگر پیوند می‌خورند. مهم‌ترین چالش آینده، ایجاد توازن میان منافع اقتصادی باشگاه‌ها و لیگ‌ها از یک سو و حقوق شغلی و آزادی حرفه‌ای بازیکنان از سوی دیگر خواهد بود.



بر این اساس، می‌توان گفت که تحولات اخیر در حقوق بین‌الملل ورزش، به‌ویژه پس از رأی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده Diarra و اصلاحات جدید فیفا، بیانگر تغییر نگرش نسبت به جایگاه بازیکن حرفه‌ای است. بازیکن دیگر صرفاً موضوع قرارداد یا سرمایه ورزشی باشگاه نیست، بلکه یک نیروی کار حرفه‌ای دارای حقوق مستقل است که باید از امنیت شغلی، دستمزد عادلانه، شرایط مناسب کار، آزادی حرفه‌ای و حمایت حقوقی برخوردار باشد. در مقابل، باشگاه نیز حق دارد از ثبات قرارداد و سرمایه‌گذاری خود حمایت کند. بنابراین، آینده حقوق قراردادهای ورزشی در گرو ایجاد تعادل میان ثبات قراردادی، آزادی شغلی و عدالت ورزشی خواهد بود.

اصلاحات جدید فیفا که از سال ۲۰۲۷ اجرایی می‌شود را می‌توان گامی مهم در همین مسیر دانست؛ زیرا تلاش دارد نظام قراردادی فوتبال را با تحولات جدید حقوقی و اقتصادی هماهنگ کند. با این حال، میزان موفقیت این اصلاحات تا حد زیادی به نحوه اجرای آنها، رویه دادگاه فوتبال فیفا و CAS و همچنین میزان مشارکت واقعی بازیکنان و نمایندگان آنان در حکمرانی ورزش بستگی خواهد داشت. در نهایت، می‌توان انتظار داشت که حقوق قراردادهای بازیکنان حرفه‌ای در سال‌های آینده بیش از گذشته از یک نظام صرفاً ورزشی فاصله گرفته و به حوزه‌ای بین‌رشته‌ای تبدیل شود که در آن حقوق کار، حقوق بشر، حقوق رقابت، فناوری و اصول حکمرانی ورزشی در کنار مقررات اختصاصی فوتبال نقش‌آفرینی کنند.

نتیجه‌گیری

حقوق قراردادهای بازیکنان حرفه‌ای در سال‌های اخیر از یک رابطه صرفاً خصوصی میان بازیکن و باشگاه فراتر رفته و به حوزه‌ای پیچیده با ابعاد حقوقی، اقتصادی و بین‌المللی تبدیل شده است. گسترش نقل‌وانتقالات بین‌المللی، افزایش ارزش قراردادهای، نقش واسطه‌ها و مدیران برنامه و همچنین مداخله نهادهای ورزشی بین‌المللی، ضرورت ایجاد قواعد منسجم و قابل پیش‌بینی را بیش از گذشته آشکار کرده است. تحولات اخیر در مقررات بین‌المللی نشان می‌دهد که محور اصلی سیاست‌گذاری در این حوزه، ایجاد تعادل میان منافع باشگاه‌ها و حقوق بازیکنان است. از یک سو، باشگاه‌ها نیازمند ثبات قراردادی و حمایت در برابر فسخ‌های غیرموجه هستند و از سوی دیگر، بازیکنان حرفه‌ای باید از آزادی شغلی، دریافت به‌موقع دستمزد، برخورداری از شرایط عادلانه قراردادی و امکان جابه‌جایی قانونی برخوردار باشند. در این میان، اصل ثبات قرارداد همچنان اهمیت اساسی دارد، اما اعمال آن نمی‌تواند موجب نادیده



گرفتن حقوق بنیادین بازیکن شود. همچنین، روند تحولات حقوق بین الملل ورزشی به سمت افزایش شفافیت در قراردادهای، نظارت بیشتر بر فعالیت واسطه‌ها، حمایت از بازیکنان جوان و محدود کردن رفتارهایی است که می‌تواند تعادل رقابتی و اقتصادی فوتبال حرفه‌ای را برهم زند. از این رو، قرارداد بازیکن حرفه‌ای دیگر صرفاً یک سند استخدامی یا تجاری نیست، بلکه ابزاری حقوقی برای تنظیم مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات متقابل در یک نظام فراملی محسوب می‌شود. در نهایت می‌توان گفت که آینده حقوق قراردادهای بازیکنان حرفه‌ای به سمت شفافیت بیشتر، حمایت مؤثرتر از بازیکنان، تقویت ثبات قراردادی و هماهنگی میان مقررات ملی و قواعد بین‌المللی حرکت خواهد کرد. بنابراین، آشنایی با آخرین مقررات و رویه‌های بین‌المللی برای وکلا، باشگاه‌ها، بازیکنان و سایر فعالان حوزه ورزش، شرط اساسی برای تنظیم قراردادهای حرفه‌ای و جلوگیری از اختلافات و دعاوی آتی خواهد بود.



منابع و مأخذ

- Antonioni, P., & Cubbin, J. (۲۰۰۰). The Bosman ruling and the emergence of a single market in soccer talent. *European Journal of Law and Economics*, ۹(۲), ۱۵۷-۱۷۳.
- Foster, K. (۲۰۰۶). Is there a global sports law? *Entertainment Law*, ۲(۱), ۱-۱۸.
- Gardiner, S., O'Leary, J., Welch, R., Boyes, S., & Naidoo, U. (۲۰۱۲). *Sports law* (۴th ed.). London: Routledge.
- Mavromati, D., & Reeb, M. (۲۰۱۵). *The code of the Court of Arbitration for Sport: Commentary, cases and materials*. Alphen aan den Rijn: Kluwer Law International.
- Weatherill, S. (۲۰۱۴). *European sports law: Collected papers*. The Hague: T.M.C. Asser Press.
- احمدی، ع. (۱۳۹۸). تحلیل حقوقی قراردادهای بازیکنان حرفه‌ای فوتبال در ایران. فصلنامه مطالعات حقوق ورزشی، ۲(۶)، ۷۵-۹۸.
- حسینی، م. (۱۴۰۰). اصل ثبات قراردادی در نقل و انتقالات بین‌المللی فوتبال. مجله پژوهش‌های حقوق خصوصی، ۱۲(۳)، ۱۲۰-۱۴۵.
- زارعی، ک. (۱۳۹۹). جایگاه داوری ورزشی در حل اختلافات قراردادی. تهران: انتشارات میزان.
- مرادی، م.ر. (۱۴۰۱). تحولات نوین مقررات فیفا در حقوق قراردادهای بازیکنان. فصلنامه حقوق بین‌الملل، ۳۸(۴)، ۲۱۰-۲۳۵.





نهمین همایش علمی

مطالعات پژوهشی حقوق ورزشی در عصر نوین





ایشان اصفهانی برگزار کردند
با همکاری کمیته حقوق ورزشی
بنیاد قانون یار

اصفهان، شهرستان دهقان
دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان
سالن اجتماعات شهید بهشتی
۱۴۰۴/۱۱/۲۷

دبیر اجرایی همایش: محمدرضا مرادمر

۰۹۱۲۰۳۶۱۸۰۸

محورهای پذیرش مقاله:

۱. موضوعات مرتبط با قوانین و حقوق ورزشی
۲. مطالعات فقهی و اسلامی در راستای علوم ورزشی
۳. جدیدترین یافته های علمی در زمینه های مختلف ورزشی
۴. اصول حاکم بر مقررات، احکام و قوانین ورزشی در نظام حقوقی

ارسال فایل ورد مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Ghanonyar@yahoo.com

یا ارسال از طریق ایتا، واتس آپ به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲





دبیرخانه مرکزی همایش ۵۲۶ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ واحد صدور گواهی نامه ۸۴ و ۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴

سایت اطلاع رسانی همایش های موسسه قانون یار www.Ghanonyar.ir